

مضامین تعهد ادبی در اشعار فاروق جویده

مرتضی قائمی

دانشیار دانشگاه بوعلی سینا

فرامرز میرزایی

استاد دانشگاه بوعلی سینا

مجید صمدی*

دانش‌آموخته دکتری در رشته زبان و ادبیات عربی

(۲۰۱-۲۲۲)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۵/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۲/۰۷

چکیده

تعهد ادبی مفهومی وارداتی از نقد ادبی غرب است که در دهه‌های گذشته در میان ادبا و ناقدان عرب جایگاهی درخور یافت، چرا که شرایط نابسامان سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دنیای عرب و حاکمیت استبداد و استعمار، شاعران و نویسندگان را واداشت که با قیام ملت‌های ستم‌دیده هم‌نوا گردند. فاروق جویده، شاعر مصری، از آن دسته شاعرانی است که با شگردهای شعری، از نبود آزادی، بی‌عدالتی، فقر و محرومیت سخن گفته و مخاطبان شعرش را تحریک می‌کند تا با سرفرازی و احساسات انسانی در برابر ظلم و استبداد ایستادگی کنند و تخت دیکتاتوران تحت سلطه را به لرزه درآورند. وی همواره در صف شاعران مبارز قرار دارد و منادی اتحاد کشورهای هم‌زبان و هم‌کیش خود است و با سحر قلم و جادوی خیال، شعر و سیاست را به هم آمیخته و در مسیر آزادی و مبارزه با استبداد گام برمی‌دارد. مضامین تعهد ادبی شاعر، دارای گرایش‌های عربی - اسلامی و وطن‌دوستانه است و به دور از هر نوع شعارزدگی، خواندگانش را شیفته می‌کند. هدف این مقاله، تحلیل جنبه‌ها و مضامین تعهد ادبی فاروق جویده در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، قومی و دینی است.

واژه‌های کلیدی: تعهد ادبی، وطن، فاروق جویده.

۱- مقدمه

تعهد ادبی که معادل انگلیسی آن «Literary Commitment» و معادل عربی آن «الالتزام» است، (بعلبکی، ۱۹۹۵: ۱۵۷) عبارت است از مشغولیت ذهن ادیب یا هنرمند به امور مردم، جامعه یا حزب و اتخاذ موضع‌گیری‌هایی در برابر قضایای سیاسی و دینی، (برادۀ، ۲۰۰۱: ۳۲) در این شاخه از ادبیات، ادیب یا هنرمند به واسطه احساس تعهد در برابر مسائل انسانی و رسالتی که از این رهگذر حاصل می‌شود، قصد دارد، اندیشه‌ای نوین تولید کند یا از باوری خاص دفاع نماید و یا آن را ترویج دهد. (مکاریک، ۱۳۸۵: ۲۳) در نتیجه می‌توان گفت تعهد ادبی یعنی این که ادیب هنر خود را ابزاری برای خدمت به یک اندیشه انسانی معین و دیدگاه مشخص او نسبت به زندگی و تحمل مسؤولیت‌های آن قرار دهد. (مندور، دت: ۱۲۴)

تعهد در ادبیات کهن عرب، در دوره جاهلی، به شکل وابستگی به قبیله، (شائب، ۱۹۷۶: ۵) در صدر اسلام با رنگ و بوی اسلامی، (نک: ضیف، ۱۹۹۶: ۲ / ۳۰-۳۳) در دوره اموی به شکل درگیری‌های احزاب سیاسی؛ مانند: علویان، امویان، خوارج و زبیریان، بر سر امامت و حکومت (أبو حاقه، ۱۹۷۹: ۷۱) و در دوره عباسی، در جریان‌های ادبی، نمود یافت. در دوره معاصر، هم، عواملی مانند: بیداری اسلامی، توجه به شکوه ازدست‌رفته، (منصوری، ۲۰۰۰: ۱۲۰) ورود اندیشه‌های غربی، خودآگاهی ناشی از ارتباط ادبا با مشکلات زندگی (إسماعیل، ۱۹۶۷: ۳۷۴) و احساس ستم ناشی از استعمار و استبداد؛ تعهد ادبی را گسترش داد.

ناقدان ادبی، شاعران متعهدی را که به مضامین تعهد ادبی پایبند بودند، ستوده‌اند. یکی از این شاعران که در چند دهه گذشته با شعر متعهد خود، ناقدان ادب عربی را شیفته کرد، «فاروق جویده»، شاعر مصری است که در شعرش مضامینی مانند: همبستگی، آزادی، دشمنی با استبداد و استعمار، اهتمام به ارزش‌های اسلامی و ... موج می‌زند و همیشه صدای رسای ملتی است که استبداد و خودکامگی، جانش را به لب آورده است.

۱-۱- سوالات تحقیق

- ۱- فاروق جویده در تعهد ادبی خود، چه گرایش‌هایی دارد؟
- ۲- مهمترین مسائلی که فاروق جویده در شعر خود نسبت به آن‌ها متعهد بوده، چیست؟

۲-۱- ضرورت تحقیق

جایگاه ادبی فاروق جویده در سال‌های اخیر و هم‌نویایی او با جوانان انقلابی مصر و تأثیرش بر جریان‌های اعتراضی و انقلابی کشورهای عربی موسوم به بیداری اسلامی و بهار عربی و نیز مبارزه آشکارش با رژیم صهیونیستی و فریادهای آزادی‌خواهی و تلاش‌های ادیبش در زمینه استقلال و اتحاد اعراب و مسلمانان، مستلزم یک تحقیق کامل بوده و تقویت روحیه استبدادستیزی جوانان در برابر جور و بیداد داخلی و خارجی که می‌تواند قدمی در راه براندازی حکومت‌های مستبد جهان باشد، بر اهمیت این پژوهش می‌افزاید. اشعار متعهد او چنان قوی است که می‌تواند توجه جهانیان را به مسأله عدم آزادی و فقر و مشکلات مردمی در برخی کشورهای عربی برانگیزاند.

۳-۱- فرضیات تحقیق

- ۱- تعهد فاروق جویده نسبت به امور سیاسی و دینی جامعه، دارای گرایش‌های عربی - اسلامی و میهن‌پرستانه است.
- ۲- موضوعات مورد تاکید شاعر در راستای تعهد ادبی عبارتند از: آزادی‌خواهی و مبارزه‌طلبی، استبدادستیزی، فقرزدایی، اتحاد عرب زیر سایه اسلام و قضیه فلسطین.

۴-۱- پیشینه تحقیق

تا کنون در زمینه تعهد ادبی و میزان مشارکت شاعران در این حوزه و نیز درباره شعر فاروق جویده، چندین کتاب و رساله نوشته شده است که از مهمترین آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- پایان‌نامه «الالتزام في الشعر الفلسطيني المعاصر» اثر جواد اسماعیل عبدالله الهشیم: نگارنده قضایای فلسطین، دعوت شاعران به مقاومت در برابر اشغال و میزان تعهدشان

را نقد و بررسی کرده است. ۲- پایان‌نامه و کتاب «الالتزام في شعر محمد مهدي الجواهري» اثر علی اکبر مرادیان: نویسنده به میزان و ضرورت دفاع از حقوق مردم و سایر مسائل سیاسی و اجتماعی در اشعار جواهری نظر داشته و به بررسی و تحلیل آن‌ها همت گماشته است. ۳- مقاله «الحب والوطن في شعر فاروق جویده» اثر ابراهیم خلیل ابراهیم: نگارنده بیشتر، وطن‌سرای‌های شاعر را بررسی و تحلیل محتوایی کرده است. ۴- مقاله «فاروق جویده رمانتیک واقع‌گرا» اثر علی نظری و سمیه اونق: نویسندگان اشعار جویده را از منظر دو مکتب رمانتیسم و رئالیسم مورد ارزیابی قرار داده‌اند. ۵- پایان‌نامه «گفتمان طنز در اشعار انقلابی شاعران بحرین و مصر» اثر زهرا کوچکی‌نیت: پژوهشگر نحوه به‌کارگیری طنز را در شعر انقلابی شاعران مصر و بحرین بررسی نموده و به تحلیل طنز موجود در دو مورد از قصاید فاروق جویده پرداخته است. ۶- پایان‌نامه «تعهد ادبی و عناصر هویت‌ساز در اشعار فاروق جویده» اثر مجید صمدی: پژوهشگر تعهد شاعر را به امور سیاسی، اجتماعی، ملی‌هویتی و دینی بررسی کرده و در کنار تحلیل محتوایی، به بررسی و تحلیل زیبایی‌شناسی اشعار نیز پرداخته است.

۲- زندگانی شاعر

فاروق جویده در دهم فوریه سال ۱۹۴۶ در کفرشیخ مصر دیده به جهان گشود و بعد از اتمام دوران تحصیل خود در مدرسه، تحصیلات آکادمیک خود را در رشته روزنامه‌نگاری آغاز کرد. وی در سال ۱۹۶۸ فارغ‌التحصیل شده و از همان سال به عنوان عضو هیأت تحریریه بخش اقتصادی روزنامه «الأهرام» وارد عرصه روزنامه‌نگاری گردید و پس از آن نیز به عنوان عضو، در اتحادیه روزنامه‌نگاران، مجمع نویسندگان، کارگروه شعر در مجمع عالی فرهنگ، حضور داشته و در بسیاری از فستیوال‌های شعری بین‌المللی، نقشی فعال ایفا نموده و کنفرانس‌های زیادی در دانشگاه‌های مختلف کشورهای عربی ارائه نموده است، و هم‌اکنون رئیس بخش فرهنگی روزنامه «الأهرام» مصر است. (نک: ویکی‌پدیا / فاروق جویده) او یکی از ۱۵ شاعری است که سازمان یونسکو آنان را در سال ۲۰۰۱ به عنوان اعضای موسسه آکادمی بین‌المللی شعر، مستقر در شهر

ورونای ایتالیا، انتخاب نمود. اسلوب شعری فاروق جویده روان و سلیس بوده و به گونه‌ای است که کلماتش برای گروه‌های مختلف جامعه قابل درک است. عشق و وطن در بیشتر اشعار او خودنمایی می‌کند و هر گاه از وطن سخن می‌گوید، الفاظ متین و روح انقلابی شاعر بیش از هر چیز دیگری در معرض نمایش است. جویده همیشه و در همه حال در اندیشه آزادی مردم از قید و بندهای مختلف چه به صورت استبداد داخلی و چه به صورت استثمار و استعمار خارجی بوده است، او برای رسیدن به این مهم، همواره زبان و قلم خود را در خدمت آزادی خواهی و مبارزه با استبداد قرار داده است. می‌توان گفت شاعر، خصوصاً اشعار دوران پختگی خود را به آزادی، مبارزه با جبر و استبداد، مبارزه با فقر اقتصادی مصر، قیام علیه حاکمان جور، استقلال فلسطین و اتحاد اعراب و مسلمانان اختصاص داده است. از میان آثار شعری فاروق می‌توان به «آخر لیالی الحلم»، «دائماً أنت بقلبي»، «شیء سیقی بیننا»، «لأني أحبك»، «كانت لنا .. أوطان»، «لن أبيع العمر»، «ویبقی الحب»، «وللأشواق عودة»، «زمان القهر .. علمنی»، «أعاب فیک عمري» و ... اشاره نمود که برخی از آن‌ها به زبان‌های انگلیسی، فرانسوی و ... ترجمه گردیده است. (نک: جویده، ۲۰۱۰: www.goweda.com)

۳- تعهد ادبی فاروق جویده

سه جریان فراگیر اسلامی، متوسط ملی و تنگ‌تر میهنی را باید اساسی‌ترین جریان‌های ادبیات متعهد امروز دنیای عرب دانست. اولی، از زمان سید جمال الدین اسدآبادی و شاگردش محمد عبده در قالب بیداری عربی - اسلامی شکل گرفت و هنوز هم در حوزه ادبیات، فعال است و هدفش توانمندسازی مسلمانان در برابر خطرات بیگانگان بود. (أبو حاقه، ۱۹۷۹: ۱۰۶) دومین جریان، هدفش احیای تمدن عربی و میراث زبانی آن بود و از تمدن جدید اروپا به عنوان نمونه برتر، پیروی می‌کرد (همان: ۱۷۶) و سومین جریان ادبی، اساسش عشق هر عرب به میهن و کشورش بود، (همان: ۱۳۶-۱۳۷) تا شاید آن را از بند استعمار و استبداد برهاند؛ البته این سه گرایش، با هم در تعامل بوده‌اند و جداسازی آن‌ها از یکدیگر در شعر بسیاری از شاعران معاصر عرب امکان‌پذیر نیست.

فاروق جویده در بیان مضامین شعری خود از هر سه جریان، تاثیر پذیرفته است، اگرچه به سبب فضایی که در آن قرار گرفته است، دو جریان اول و سوم بیشتر در شعرش نمود دارد و درد و رنج مردم کشورش بیشتر وی را می‌آزارد.

۳-۱- مضامین تعهد ادبی در اشعار فاروق جویده

از آنجایی که عشق به میهن، تنها از احساسات وطن‌دوستی فاروق جویده نشأت نگرفته و تمامی وطن‌سرای‌های او در راستای انقلاب، بیداری و مقاومت است می‌توان گفت که وی دنباله‌رو مبارزانی چون سید جمال‌الدین اسدآبادی و محمد عبده است؛ زیرا سید جمال‌الدین اسدآبادی در اواخر قرن نوزدهم با فعالیت‌های فکری، سیاسی و اجتماعی خود، توانست گروهی از ادیبان و روشنفکران را دور هم جمع کند و با اصلاح دینی، بیداری اسلامی و آگاهی جمعی و نوشتن مقالات سیاسی، به زبان ساده و کم‌آرایه و دعوت به نگارش بی‌تعقید و تقلید و قرار دادن آن در مسیر خدمت به اندیشه، زمینه تحول عمیق ادبی را فراهم سازد، (میرزایی و طاهری نیا، ۲۰۰۴: ۶۵) به طوری که عمر الدسوقی معتقد است: سید جمال‌الدین به مثابه روحی است که در شرق اسلامی دمید و منجر به بیداری قومی و فکری در ادبیات عصر جدید شد. (الدسوقی، ۱۹۷۳: ۳۲۷/۱) تاثیر اندیشه‌های سید جمال‌الدین در نسل‌های بعدی هم ماندگار شد و نوگرایانی مانند فاروق جویده نیز از جریان ادیبی که این مصلح اجتماعی راه انداخت، تاثیر پذیرفتند. جویده که از روزنامه‌نگاران سرشناس حال حاضر مصر به شمار می‌رود، همچون اسدآبادی مقالات متعددی را در روزنامه‌ها و خبرگزاری‌های مصری منتشر می‌کند، همچنان که سید جمال‌الدین در نشریاتی چون «التجارة» و «العروة الوثقی»، مطلب می‌نوشت و آتش بیداری را در دل‌ها شعله‌ور می‌کرد، (ضیف، ۱۹۶۱: ۲۲۶) جویده نیز مقالات سیاسی زیادی را تحت عنوان «هوامش حرة» در سایت اختصاصی خود و نیز روزنامه «الأهرام» به رشته تحریر کشیده و سعی در بیداری و آگاهی ملت عرب دارد. سید جمال‌الدین که در ده‌های جامعه را در محورهای چون استبداد حاکم، بی‌خبری توده مسلمان و جدایی و تفرقه میان مسلمانان می‌دانست، (باغچه‌وان، ۱۳۸۳:

۲۲۹) اینک، شاعری چون فاروق جوئیده با سرلوحه قرار دادن اصول مذکور، شعرسرایی می‌کند، بگونه‌ای که مهمترین مضامین تعهد ادبیش را در راستای مبارزه و قیام علیه حاکمان جور و استبداد، یکپارچگی اعراب و مسلمانان و ستیز با فقر و محرومیت قرار می‌دهد، از این رو می‌توان تعهد ادبی در اشعار جوئیده را در مضامین سیاسی، اقتصادی، قومی و دینی و در راه رسیدن به اهدافی چون «آزادی خواهی و قیام علیه جبر حاکم»، «فقرستیزی و مبارزه با فساد والیان حکومتی»، «آزادی فلسطین» و «دعوت به اتحاد عرب زیر لوای اسلام» بررسی کرد:

۳-۱-۱- مضامین سیاسی

مضامین و موضوعات مربوط به امور سیاسی، بیشترین سهم را در تعهد ادبی فاروق جوئیده دارند، چرا که اصلی‌ترین چالش شعر جوئیده مبارزه با حکومت استبدادمنش این کشور در چند دهه گذشته است و حتی می‌توان گفت که سایر مضمون‌های تعهد در شعر جوئیده، همچون امور مربوط به اقتصاد، به نوعی ملهم از سیاستند. در اشعار سیاسی شاعر، آنچه نمود و ظهور بارزی دارد، مخالفت علنی و آشکار با حکومت حسنی مبارک و فریادهای آزادی خواهی او است.

۳-۱-۱-۱- آزادی خواهی و قیام علیه جبر حاکم

جوئیده شاعری است که لحظه‌ای از روشنگری مردم مصر و افشاگری استبداد دستگاه خودکامه حسنی مبارک دریغ نکرده و از وضعیت نابسامان کشور در دوران حاکمیت مبارک و قبل از آن سخن گفته و درد و رنج مردم را در قصاید متعدد به تصویر کشیده است. او در قصیده «أحزان مصر» کشورش را چون جسمی ضعیف می‌داند که استبداد حاکم، زیبایی و رونقش را تصرف کرده و دیگر خبری از زیبایی‌های بهارگونه آن باقی نمانده است، با اندکی تأمل در مضمون ابیات زیر می‌توان به این نتیجه رسید که شاعر در سرودن این قصیده، گرایش میهن‌پرستانه منطقه‌ای دارد و از به تاراج رفتن سرزمین مادری و فاصله گرفتن کشورش از شکوفایی قدیمش سخت اندوهگین است:

رأيتك يا مصر جسما نحیلا / فأین الجمال وأین البهاء؟ / وأین ثيابك عند الربيع / وأین عبيرك ملء
الفضاء؟ / سلبناك كل الذي تملكين / إذا صارت الأرض للأشقياء / سيبقى جمالك رغم الحريف / ورغم
الرياح ورغم الشتاء^۱ (جویده، ۲۰۰۰: ۱۲۱)

علاقه و گرایش جویده به اقلیم و وطن خویش در بسیاری از قصایدش آشکار
است، برای نمونه او در قصیده «أین وجه بلادي» از شکوه و عزت از دست رفته مصر
سخن می‌گوید و از تفرقه و بردگی می‌سراید که حاکمان جلاد صفت، هم‌میهنانش را
گرفتار آن نموده‌اند؛ چیدمان الفاظ پر از خشم این قصیده، طوری است که از اندوه
چندین ساله شاعر در برابر استبداد سایه‌افکننده بر کشورش، خبر می‌دهد:

کم عشتُ أسأل: أین وجه بلادي/ أین النخيل وأین دفء الوادي/ لاشيء يبدو في السماء أمامنا/ غیر
الظلام وصوره الجلاد/ هذی بلاداً تاجرت في عرضها/ وتفرقت شيعا بكل مزاد/ لم یبق فیها غیر صبح
کاذب/ وصراخ أرض في لظى استعباد^۲ (جویده، ۲۰۰۹: www.montadaalhilal.com)

در مصراع‌های بعدی قصیده، شاعر اندوهگینانه و از سر درد، خشم خود را با بیان
«فرار واژه‌ها از دهانش» نشان می‌دهد:

وَصرخت .. والكلمات قهرت من فمي / هذی بلاداً .. لم تعد کبلادی^۳ (همان)

جویده که یکی از منتقدان سرسخت حکومت حسنی مبارک است و در قصاید
متعددی استبداد و جبر موجود در حاکمیت سی ساله او را به باد انتقاد گرفته و
فریادهای کوبنده‌اش را در قالب شعر بر سر او کشیده است، در اواخر دوران حکومت
حسنی مبارک، با قصیده‌ای تند، تحت عنوان «ارحل»، از او می‌خواهد دست از استبداد
و خودکامگی برداشته و حکومت را رها کند. قطعاً عنوان قصیده، برگرفته از شعارها و
پلاکاردهای مصریانی است که فریاد «ارحل ارحل» سر داده و فرو ریزی نظام مبارک را
می‌خواستند. او در این قصیده، هم‌نوا و هم‌صدا با مردم مخالف رژیم، شعار می‌دهد،
فریاد می‌زند و با انتشار این قصیده در سایت‌های اینترنتی، همراهی خود را با مخالفان
حکومت علنی می‌سازد:

ارحل کزین العابدین وما نراه أضلّ منك / ارحل وحزبك في يدك / ارحل فمصر بشعبها وربوعها تدعو
علیک / ارحل فإني ما أرى في الوطن فردا واحدا يهفو إلیك / لا تنتظر طفلا یتیمًا بابتسامته البریئة أن

يَقْبَلُ وجنتيك / ارحل وعارك أي عار / مهما اعتذرتَ أمامَ شعبكَ لن يفيدَ الاعتذار / ولن يكون
الاعتذار؟ / لعيون طفلٍ / مات في عينيه ضوءُ الصبحِ / لدموعِ أمٍّ لم تزل تبكي وحيداً / لا شيء يبكي في
رحيلك^۴ (جویدَه، ۲۰۰۹: www.abc4.ahlamontada.net)

جویدَه برای قصیده معروف بعدی خود، همانند قصیده قبلی، یک عنوان جنجالی
انتخاب می‌کند، یعنی قصیده معروف «اغضب». عنوان قصیده نشان‌دهنده غضب شاعر
است که در دل دارد و اینک برای فرو ریزی نظام حاکم، آن را با جوهر قلم و قریحه
شعری خود، بر صفحه روزگار می‌نگارد. این قصیده صرفاً دعوت مردم برای خشم
نیست؛ بلکه در ورای خود تلاشی است بی‌امان و تحریک‌کننده، برای قیام علیه جور و
استبداد و نیز دعوتی است برای یک انقلاب بنیادین، او در این قصیده، به طور مکرر
فریاد «اغضب» سر می‌دهد، افراد غافل را از خواب بیدار می‌کند:

اغضب / فإن الله لم يخلق شعوباً تستكين / اغضب / فإن الأرض تُحنى رأسها للغاضبين / اغضب فإنَّ
الأرض تحزن حين ترتجف النصور / اغضب / فإنك إن ركعت اليوم / سوف تظل تركع بعد آلاف السنين
/ اغضب / فإن الناس حولك نائمون / كيف استباح الشرُّ أرضك؟ / واستباح الذئبُ قبرك؟ / اغضب /
إذا شاهدت كهَّان العروبة كل محتمل تخفى في نفق / اغضب / فإن بداية الأشياء .. أولها الغضب /
ونهاية الأشياء .. آخرها الغضب / اغضب / لم يبق غير الموت / إما أن تموت فداء أرضك / أو تباع لأي
وغد^۵ (جویدَه، ۲۰۱۱: www.treika.com)

حکومت استبدادی در مملکت زندان‌گونه مصر سبب شده تا جویدَه در چندین
قصیده کوتاه و بلند، به زور، زندان و شکنجه نظامیان مصر اشاره کند. شعر کوتاه
«الرقاب»، که فقط دو بیت دارد، با تمام کوتاهی‌اش نشانه بزرگی است از خشم و انزجار
شاعر از حاکمان، والیان و نظامیان این کشور. استعاراتی که شاعر به کار برده و
سردمداران مصر را به سگ تشبیه نموده، گواه این مدعا است:

كلما شاهدتُ سَجَاناً / وسيفاً فوق أشلاء الرقاب / كلما أيقنتُ أنَّ الأسدَ ماتت / حينما ساد الكلاب^۶
(جویدَه، ۲۰۰۰: ۴۲۲)

۳-۱-۲- مضامین اقتصادی

یکی از دلایل مهم خیزش‌های مردمی در کشور مصر، فقر اقتصادی و تضاد طبقاتی
موجود در این کشور بوده و وجود والیان و سیاستمداران رانت‌خوار، در رأس حکومت

بر این امر دامن زده است؛ اقتصاد و وضع زندگی مردم، بسیار پایین و مشکلات معیشتی آنان بسیار زیاد است و درآمد سرانه اندک، بیکاری و اقتصاد وابسته از مهم‌ترین چالش‌های اقتصادی مردم است. در سال ۱۹۷۸ و در زمان انور سادات، رئیس‌جمهور وقت مصر، معاهده صلح «کمپ دیوید» میان مصر و اسرائیل منعقد شد؛ معاهده‌ای که تا سالیان متمادی مصری‌ها را درگیر پرداخت هزینه‌های سنگین کرد. با این معاهده، مصر از اتحادیه عرب اخراج شد و اعراب، تحریم مصر را در پیش گرفتند. یکی از انگیزه‌های سادات از امضای این معاهده، امید به بهبود و دگرگونی وضعیت اقتصادی مصر بود، اما با گذشت بیش از سی سال نه تنها وضعیت اقتصادی مردم تغییر نکرد، بلکه امروزه خود مصری‌ها معتقدند که مصر نه جهان سوم، که جهان چهارم است. اقتصاد و وضع زندگی مردم، بسیار پایین و مشکلات معیشتی آنان بسیار زیاد است و درآمد سرانه اندک، بیکاری و اقتصاد وابسته از مهم‌ترین چالش‌های اقتصادی مردم است. (نورانی، ۱۳۹۱: ۲۰۵) چرا که سیاست‌های اقتصادی حسنی مبارک نیز دنباله‌رو رئیس‌جمهور سابق بوده و باعث ضعیف ماندن اقتصاد این کشور شده است. از این رو فقر اقتصادی و فساد مالی و اداری، مردم این کشور را به خیزش و انقلاب، فراخوانده (علوی سیستانی، ۱۳۹۱: ۱۱۰) و فرهیختگان مخالف حاکمیت مبارک، در مقام انتقاد و مبارزه با آن برآمده و این مخالفت را در آثار ادبی خود نشان دادند. فاروق جویده در مبارزات ادبی خود با حکومت مبارک، همواره به فقر و محرومیت موجود در جامعه اشاره می‌کند و عامل آن را بی‌کفایتی حاکمیت و نیز فساد موجود در میان رجال سیاسی این کشور می‌داند و در غالب اشعار انقلابی خود، به این امر می‌پردازد.

۳-۱-۲-۱- فقرستیزی

همان‌گونه که اشاره شد، سیاست‌های نابسامانی که از سوی حاکمان مصر در طول صد سال گذشته اتخاذ شده، چیزی جز فقر و تضاد طبقاتی شدید برای این کشور به بار نیاورده است، چنان که همواره و در طول اعتراض‌های مردمی، فقر و گرسنگی یکی از دلایل عمده آشوب‌ها بوده است. جویده که در کنار این مردم زندگی کرده و سردی و گرمی معیشت آن‌ها را چشیده، از این مشکل مردم غفلت نکرده و در قصاید متعددی به

آن پرداخته است. از این رو می‌توان این طیف از قصاید جویدِه را به تلاش‌های شاعر در راه گرایش‌های میهن‌پرستانه و منطقه‌ای تعبیر نمود. در ابیات زیر شاعر مردم را به مبارزه با فقر و از بین بردن عوامل آن دعوت می‌کند و فقرزدایی را عاملی برای کم کردن دردهای جامعه خود می‌داند:

تعالوا نقاتل من جوع مصر / تعالوا نصافح آلام شعب / ونصرخ بالخرن هل من مزید؟ / تعالوا لنسکر من دمع أرض^۷ (جویدِه، ۲۰۰۰: ۱۴۴-۱۴۵)

شاعر در قصیده مشهور «ارحل» فقر و بیکاری جوانان مصری را به مبارک و یاران او گوشزد می‌کند. کاملاً مشخص است که فقر و عقب‌ماندگی اقتصادی کشور، یکی از عمده دلایل کسان‌ی است که به انقلاب ژانویه سال ۲۰۱۱ دعوت کرده و با زبان و قلم خود از آن حمایت نمودند:

ارحل فصوص الجائعین وإن علا لا یتدیه بمسمعیك / کم من شباب عاطل أو غارق فی بحر فقر وهو یلعن والدیک^۸ (جویدِه، ۲۰۰۹: www.abc4.ahlamontada.net)

او همچنین در قصیده‌ای با عنوان «الأرض قد عادت لنا»، به مشکلات اقتصادی مردم اشاره می‌کند. شاعر که در این شعر، حسنی مبارک را خطاب قرار داده، او را عامل نکبت و بدبختی مردم مصر معرفی نموده و در چند مصراع کوتاه، اشاره‌هایی هرچند کوتاه، به کشتار مردم در جریان انقلاب ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ مصر، کشتار کودکان، اندوه مادران و خشونت پلیس این کشور می‌کند و با کنایه‌ای سرشار از تمسخر و آبرونی و طنزی تلخ و گزنده، مبارک را سرورش نامیده و لقب فرعون مصر را به او می‌دهد و می‌گوید:

یا سیدی الفرعون / هل شاهدت أشلاء الرعايا / سخط الوجوه.. تعاسة الأطفال / ذل الفقر.. حزن الأمهات علی الصبایا / أشباحك السوداء فی الطرقات / تشطرننا شطایا^۹ (جویدِه، ۲۰۱۱: www.prof3laa.com)

جویدِه در نمایشنامه «الخدیوی» نیز اشاره کوتاهی به گرسنگی کودکان مصر می‌کند و فقر این بی‌گناهان را بر نمی‌تابد:

هل تغفر الأحلام/ أخطاء المهانة والحيانة والمجون...؟/ هل تغفر الأحلام جوع الطفل.../ موت الفجر...
 إذلال الديون/ ما أسوأ الأحلام حين تصير/ قيلاً في الرقاب نريف دم/ في العيون^{۱۰} (جویده، ۲۰۰۰: ۸۹۲)
 شاعر که در قصاید متعددی از فقر حاکم بر جامعه و بخصوص از فشاری که بر
 کودکان وارد می‌شود، پرده برمی‌دارد، در ابیات زیر، قدم فراتر نهاده و عامل فساد و
 دزدی مردم فرودست و کودکان بی‌گناه را فقر و نداری دانسته و معتقد است، کودکان
 برای فرار از گرسنگی به دزدی پناه می‌برند؛ این فقر چنان شدید است که خدا و قیامت
 را از یاد مردم برده و ایشان برای یافتن قرص نانی به هر کاری دست می‌زنند:

ومضيتُ وحدي في الطريق / وسمعتُ في جيبي ديبياً خافئاً / وأصابعاً تلفت تلفس الخفاء / ونظرتُ خلفي
 في اضطراب / طفلٌ صغيرٌ لا تغطيه الثياب / لم يا بنيّ اليوم تسرق / أين أنت من الحساب؟ / يوما ستلقى
 الله.. / لم ينطق المسكين قال بلهفة: / الله / من في الأرض يخشى الله يا أبتاه؟ / الجوع يقتلني ولا أجد
 الرغيف / والدرب كالليل المخيف^{۱۱} (همان: ۳۴-۳۵)

۳-۱-۲- مبارزه با فساد اقتصادی حاکمان

ساختار نظامی و غیرمردمی مصر باعث شده تا فساد گسترده‌ای در سطح حکومت و در
 دستگاه‌های مرتبط با قدرت شکل گیرد. رانت‌خواران در سطحی گسترده، با استفاده از
 استبداد و دیکتاتوری، منافع مردم را تاراج کرده و با فرار از پرداخت مالیات صادرات و
 واردات و ده‌ها راه دیگر، فساد را به حد اعلای خود رسانده‌اند. (نورانی، ۱۳۹۱: ۲۰۵)
 همان‌طور که در بخش مقدمه اشاره شد، فاروق جویده، چندین سال، عضو هیأت
 تحریریه بخش اقتصادی روزنامه «الأهرام» بوده است. بدیهی است که او بیشتر از یک
 شهروند عادی، در جریان امور اقتصادی و سیاسی کشور و فساد و رانت‌خواری موجود
 در دستگاه حکومتی باشد، از این رو این امر، به اشعار او نیز راه یافته و وی در چندین
 قصیده، یکی از عوامل اقتصاد ضعیف مصر را، سران و والیان حکومتی، دانسته است.

شاعر در قصیده «وتسقط بيننا الأيام» مستقیماً فقر و تاراج مردم را با عبارت «دزدان
 قبیله» به نیروهای داخلی نسبت می‌دهد که ثروت مردم را به باد داده و یا در راه نفع
 شخصی استفاده کرده‌اند:

لصوص الحيّ قد سرقوا ثيابي / فصرنا في مدينتنا عرايا / فلا وطنٌ يلمُّ العمر ممّا / ولا أمل يلوذ بها
 الضحايا^{۱۲} (همان: ۲۷۹)

همین مفهوم در قصیده نسبتاً بلند «لصوص العصر» به گونه‌ای زیباتر بیان شده است و جویده هم در عنوان قصیده و هم در لابلای مفاهیم تند اییات، از فساد اقتصادی و حرام‌خواری والیان و حاکمان کشور می‌گوید. او در این شعر از سقوط آهوان و رقص کلاغان می‌سراید و از والیانی که مال مردم را می‌خورند و به چپاول نیازمندان مشغولند، انتقاد می‌کند؛ اما آنچه این شعر را زیباتر نموده، اقتباسی است که شاعر از امام علی (ع) در خطبه ۲۷ نهج البلاغه نموده و رجال سیاسی کشورش را «أشباه الرجال» دانسته است:

إني حلمتُ ولم أكن أدري / بأنَّ قطائعَ الغربان ترقصُ كلَّما سقطَ الغزال / لكنني أيقنتُ أنَّ لصوص هذا العصر / قد سرقوا الحرام مع الحلال / أيقنتُ أنَّ الأرضَ تُجهضُ نفسها / إن سادَ في الأوطانِ أشباه الرجال^{۱۳} (همان: ۵۱۰)

قصیده «ماذا أصابك يا وطن»، یکی از قصاید اعتراضی جویده است. ساختار این قصیده به نحوی است که شاعر، به مشکلات و امور مختلف جامعه می‌پردازد و یکی از این مشکلات، مسائل مربوط به اقتصاد است که شاعر در مقطع نخست آن، فقر اقتصادی مردم را به چالش کشیده و معتقد است که مردم زحمت‌کش جامعه، از دسترنج خود بهره‌مند نبوده و حاصل کار و تلاش آنان، نصیب افراد دیگری می‌گردد؛ او در این شعر، چنین افرادی را موش و مار و افعی می‌خواند که فقط به فکر منافع شخصی خودند:

والفتران تسكرُ من دماء الكادحين / لم يبق في الحقل الجميل / سوى الثعابين العتيقة / تنفث السم الدفين / لم يبق غير قطائع الغربان / تنعى الموت في الزمن اللعين^{۱۴} (همان: ۵۲۹)

۳-۱-۳- مضامین قومی - دینی

وطن از شاخص‌ترین موضوعاتی است که ذهن انتقادگر و ظلم‌ستیز فاروق جویده را به خود معطوف کرده و در این رهگذر، او همواره از دردها و زخم‌های وطن عربی از مصر گرفته تا لبنان، فلسطین، عراق و ... سخن می‌گوید و هیچ‌گاه خود را در قید و بند برخی مصلحت‌خواهی‌ها و سیاست‌بازی‌ها اسیر نمی‌سازد. جویده در کنار گرایش‌های میهن‌پرستانه اقلیمی، دارای گرایش‌های فرا منطقه‌ای بوده و در غالب قصاید خود،

قومیت و دینداری را در کنار یکدیگر به کار می‌گیرد و همواره به اسلامی بودن کشورهای عربی تأکید می‌ورزد. او نسبت به سایر کشورهای عربی و اسلامی، احساس مسؤولیت و تعهد می‌کند و بخش قابل توجهی از قصاید خود را در دفاع از مستضعفان زیر یوغ استکبار، بویژه مردم فلسطین می‌سراید.

۳-۱-۳- آرمان فلسطین

فلسطین که سرزمین پیامبران الهی است، به سبب وضعیت موجودش دغدغه‌ای است که دل هر مسلمانی را به رنج می‌آورد و شاعری چون فاروق جویده را به سرودن اشعاری زیبا و انقلابی در شأن او می‌شوراند. او نیز همانند بسیاری از شاعران مقاومت، فلسطین را حق مردم این کشور دانسته و اسرائیل را اشغالگر معرفی کرده و از ظلم و تباهی موجود در این رژیم، پرده برمی‌دارد. توجه فراوان او به سرزمین و مردم فلسطین تنها از احساسات انسان‌دوستانه شاعر نشأت نمی‌گیرد، بلکه از آنجایی که او شاعری با احساسات و گرایش‌های فرامنطقه‌ای بوده و عشق به جریان‌های عربی و اسلامی در اندیشه‌اش جایگاه وسیعی دارد، برای رسیدن اعراب مسلمان به استقلال و خودکفایی کامل، در تکاپو بوده و قریحه شعری خود را در مسیر این گرایش قرار می‌دهد.

در قصیده زیر، شاعر نومیدانه از اندوه سرزمین پیامبران می‌نالند و از ستاره سیاهی می‌گوید که در آسمان فلسطین به چرا مشغول است. این ستاره اشاره‌ای است هنرمندانه و کنایه‌آمیز به ستاره داوود که بر روی پرچم اسرائیل نقش بسته است، با اینکه این ستاره و پرچم رژیم اشغالگر، به رنگ آبی است، اما شاعر، آن را که به اعتقاد برخی از یهودیان نشان قدرت یهودیت است، سیاه، «النجمۃ السوداء»، معرفی می‌کند و با این کار، انزجار خود را از اسرائیل نشان می‌دهد:

ماذا تبقى من بلاد الأنبياء؟ / لا شيء غير النجمة السوداء ترتع في السماء / لا شيء غير مواكب القتلى / وأنات النساء^{۱۵} (جویده، ۲۰۱۰: www.adab.com)

جویده در ادامه همین قصیده، به درد قدیمی فلسطین یعنی بیش از ۵۰ سال اشغال، اشاره می‌کند و از سرنوشت آن در طول بیش از پنج دهه اشغال و آوارگی مردمانش می‌گوید و از تاراج سرزمین الهی و منزلگاه تعداد زیادی از پیامبران می‌سراید:

ماذا تبقى من بلاد الأنبياء / خمسون عاما / والحناجر تملأ الدنيا ضجيجا / خمسون عاما في المزد / وكل
جلاد يحدق في الغنيمه / ثم ينهب ما يشاء / ماتت فلسطين الحزينة / فاجمعوا الأبناء حول رفاتنا / وبكوا
كما تبكي النساء / خلعوا ثياب القدس / ألقوا سرها المكنون في قلب العراء^{۱۶} (همان جا)

فاروق جوئیده از آنجا که از مخالفان سرسخت حاکمان جور خارجی است، در برابر سیاستمداران اسرائیلی خاموش نمی‌نشیند و فریادهای کوبنده‌اش را بر سر آنان فرو می‌ریزد. شاعر به آریل شارون، نخست‌وزیر سابق اسرائیل، که در آوارگی مردم فلسطین و کشتار آنان نقش زیادی داشته است، نامه‌ای سرگشاده، در قالب شعر، نوشته و به شدت او و سیاست‌هایش را مورد حمله قرار می‌دهد و از فرط عصبانیت، او را این چنین به یک خوک انسان‌نما تشبیه می‌کند:

قبيح وجهك المرسوم من أشلاء قتلانا / جبان سيفك المسموم في أحشاء موتانا / قبيح أنت يا
خنزير كيف غدوت إنسانا / قبيح وجهك الملعون / يصير وجه القدس في عينيك أحرانا /
ويسألني أمام القبر طفل / لماذا لا يزور الموت أوطانا سوانا / أيا الله صار الحق بهتانا / أيا الله صار
الملك طفيانا^{۱۷} (جوئیده، ۲۰۱۰: www.goweda.com)

گرایش‌های موسوم به جریان اسلامی - عربی که از زیرشاخه‌های تعهد ادبی در ادبیات عربی بوده و جوئیده از آن تأثیر زیادی گرفته است، در قصیده مذکور، کاملا مشخص است؛ چرا که شاعر در صدد مبارزه با یکی از رهبران اشغالگر اسرائیلی و دشمنان آزادی و استقلال مردم فلسطین است و از سوی دیگر از ضایع شدن حق مسلمانان به فریاد آمده است. او در قصیده مذکور، آزادی فلسطین و سردمداری حکومت اسلامی را به صورت یکجا و کامل می‌خواهد.

۳-۱-۳-۲- دعوت به اتحاد عرب زیر لوای اسلام

فاروق جوئیده بی‌آنکه در مقطعی از قصاید خود، گرفتار افکار نژادپرستانه و گرایش‌های پان‌عربیسیم گردد، همواره منادی اتحاد اعراب در سایه اسلام است و مردم کشورهای عربی را به صلح و برادری دعوت می‌کند و تمامی مبارزه طلبی‌های او از هیچ مکتبی جز اسلام و بشریت برگرفته نشده است. او در لابلای ابیات خود همیشه از وطن عربی سخن می‌گوید و به صورت مستقیم و غیرمستقیم هویت مردمش را اسلامی و عربی

معرفی می‌کند. وطن در دیدگاه، اندیشه و شعر جویده تنها در چارچوب مرزهای جغرافیایی مصر خلاصه نمی‌شود؛ بلکه او تمامی مردم عرب را امتی واحد دانسته و در آرزوی استقلال، پیشرفت و وحدت وطن عربی است؛ چرا که وحدت عربی یعنی حقیقت وجود عرب به حکم اتحاد زبان، تاریخ و آرمان‌ها؛ بطوری که حتی اگر میان دولت‌ها اختلافاتی وجود داشته باشد، این اختلافات منکر آن نمی‌شود. (الشرقاوی، بی‌تا: ۵۳) هر چند عمده وطن سرایی‌های جویده متوجه مصر و فلسطین است اما در مجموعه‌های مختلف شعریش از سایر کشورهای عربی از جمله عراق و لبنان نیز می‌سراید.

او در قصیده‌ای با عنوان «سيف الغدر كذاب» سیاست‌های حاکم وقت عراق، صدام حسین، را زیر سوال می‌برد و از او می‌خواهد که به جنگ با کویت، که در دوم آگوست سال ۱۹۹۰ آغاز شد و در طی آن عراق به کشور دوست، همزیان و همسایه یورش برد، خاتمه دهد؛ در این ابیات، شاعر از یک سو به زبان ملت مصر، با مردم کویت همدردی می‌کند و از دیگر سو، برادرانه و نه از روی جبر و کینه، بغداد را به سازش دعوت می‌نماید:

بغداد هل لم یزل للشعر أحباب / شعب يموت وما للموت أسباب / صرنا أسوداً نبيع الموت في سفه / أسد
على الأهل للأعداء أذنان / دم الكويت على عينيك أرقي / فهل جزاء الوفا قتل وإرهاب / هذا أخي في
حنايا القلب يسكنني / فكيف تسكن وسط القلب أنياب / قل للكويت التي تبكي شواطئها / في كل بيت
لكم في مصر أحباب / بغداد لا تعني إن قلت في ألم / عودي إلى الحق سيف الغدر كذاب^{۱۸} (جویده،
۲۰۰۰: ۴۹۳-۴۹۵)

در قصیده «مرثیه حلم» که سرشار از حزن و اندوه برای آرزوهای بریادرفته و رویاهای خاموش است، از نابودی تاریخ و هویت جمعی‌شان می‌گوید و بر آن‌ها مرثیه می‌سراید. او معتقد است که اعراب با دست خود دست‌هایشان را قطع کردند، از این رو با حسرت فراوان می‌گوید:

صرنا عرايا وكل الأرض قد شهدت / أنا قطعنا بأيدينا أيادينا^{۱۹} (همان: ۳۶۹)

در بیت مذکور، تقابل جمع قلت و کثرت کلمه «ید» زیبایی خاصی به شعر داده است. او سپس از مرگ بیروت و خودکشی قدس سخن به میان آورده و می‌گوید:

بیروت فی الیمّ ماتت قدسنا انتحرت / ونحن فی العار نسقی و حلنا طینا^{۲۰} (همان)

در ادامه همان مقطع، شاعر از اسارت قبله نخستین مسلمانان سخن می‌گوید و نتیجه آن را اختلافات موجود میان حاکمان دولت‌ها می‌داند:

القدس فی القید تبکی من فوارسها / دمع السمنابر یشکو للمصلینا / حکامنا ضیعونا حینما اختلفوا / باعوا السمآذن والقرآن والدینا / حکامنا أشعلوا النیران فی غدنا / ومزقوا الصبح فی أحشاء وادینا^{۲۱} (همان: ۳۷۰)

و در نهایت با بیت زیر که در آن از نبود یک وطن عربی خالص افسوس می‌خورد، قصیده را به پایان می‌رساند:

ما أنقل العمر لا حلم ولا وطن / ولا أمان ولا سیف لیحمینا^{۲۲} (همان: ۳۷۳)

بیت مذکور که حرف دل شاعر است، معانی عمیقی را در درون خود، نهفته دارد و او به اندک بودن امید به زندگی، اتحاد، امنیت و قدرت کشورهای عربی اشاره کرده و زندگی در چنین جایی را بسیار سخت می‌داند. اما آنچه که از بافت کلی قصیده استخراج می‌گردد، گرایش شدید شاعر به جریان عربی - اسلامی است. جویده از اینکه مردم عرب نتوانسته‌اند به یک وحدت دینی و ملی برسند، غمگین بوده و معتقد است که این افتراق دینی و قومی سبب زوال هویتشان شده است. همانگونه که عنوان قصیده، «مرثیه اللحم»، نیز گواهی می‌دهد، جویده رویای اتحاد غرب را در سر می‌پرورانده و اکنون با اشغال فلسطین، وضعیت لبنان و حاکمیت استبداد در مصر و چند کشور عربی دیگر، به این رویای تحقق‌نیافته، مرثیه‌سرایی می‌کند.

۴- نتایج

با بررسی قسمتی از اشعار فاروق جویده در زمینه تعهد ادبی، نتایج زیر به دست آمد: - فاروق جویده به صورت کاملاً آگاهانه و نه از روی تفنن و نیز بی آنکه از مکتب فکری خاصی متأثر شده باشد، خود را ملزم به بیان بی‌پروای مشکلات میهن خود در قالب شعر می‌کند.

- تعهد شاعر دارای گرایش‌های پان‌عربیسم نیست، بلکه مبارزات ادبی او دارای گرایش‌های اسلامی - عربی بوده و نیز به ارزش‌های میهن‌پرستانه منطقه‌ای خود، پایبند است.

- کشور مصر که همواره از عدم آزادی در رنج بوده و جبر حاکمیت بر سر مردم این کشور، سایه افکنده است، شاعر را بر آن داشته تا به منظور بیداری مردم غفلت‌زده، اشعار کوبنده و انقلابی خود را در دفاع از آزادی و مبارزه با استبداد و نابرابری به جامعه عرضه کند.

- مهمترین مضمون تعهد شعری جویده، «سیاسی» است؛ یعنی محور اساسی تعهد این شاعر سیاسی بوده و علت آن، شرایط نابسامان سیاسی مصر در چند دهه گذشته است. - مبارزه با فقر و محرومیت موضوع دیگری است که ذهن انتقادگر شاعر را به تحریک واداشته و او را ملزم به دفاع از مردم فقیر و اقتصاد ضعیف کشورش در قالب شعر نموده است.

- اتحاد عرب در زیر سایه اسلام، آرزوی دیگری است که شاعر در سر می‌پروراند و برای رسیدن به این مهم، مردم و حاکمان کشورهای عربی را به صلح و زندگی مسالمت‌آمیز دعوت می‌کند.

- قضیه فلسطین در اشعار شاعر، جلوه و انعکاس فراوانی داشته و او به صورت علنی با اشغالگران، به مبارزه برخاسته و در این راه از بیان تند و بی‌پروا، هیچ واهمه‌ای ندارد و این امر او را به یکی از شاعران مقاومت بدل کرده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. ای مصر تو را پیکری لاغر می‌بینم / کجاست آن زیبایی و آن شوکت / و کجاست لباس‌هایت در فصل بهار / کجاست آن بوی خوش که تمام فضا را پر می‌کرد / هر آن چه داشتی ما از تو گرفتیم / آن گاه که زمین، در بند بی‌رحمان گرفتار شد / با وجود پاییز، زیبایی‌ات باقی خواهد ماند / و هر چند که زمان طوفان و سرماي زمستان باشد.

۲. سال‌هاست که از خودم می‌پرسم کجا رفت شکوه سرزمینم / کجاست نخلستان‌ها و گرمای دره‌ها / دیگر در آسمان مقابلمان چیزی هویدا نیست / غیر از تاریکی و صورت جلادها / این وطن من است

که در پهنایش داد و ستد می‌کنند / و مردمانش در گروه‌هایی زیاد به تفرقه افتاده‌اند / در سرزمین من
جز صبح کاذبی باقی نمانده / و فریاد زمینی در حرارت ظلم و بردگی.

۳. و فریاد بر آوردم در حالی که واژه‌ها از دهانم به سرعت فرار می‌کردند / این سرزمینی است که
میهن سابقم نخواهد شد.

۴. برو هم‌چون زین‌العابدین [رئیس جمهور تونس] که او را گمراه‌تر از تو نمی‌دانم / برو که حزبت
در دستان توست / برو که ملت و مرز و بوم تو را نفرین می‌کند / برو که من گمان نمی‌کنم کسی در
وطن برایت خوش‌آمد بگوید / منتظر نباش که کودک یتیمی با تبسم معصومانه‌اش بوسه بر صورتت
بزند / برو که ننگت بسیار بزرگ است / هر قدر در برابر مردمت عذرخواهی کنی فایده‌ای نخواهد
داشت / از چه کسی عذر می‌خواهی؟ / از چشم‌های کودکی که / روشنایی صبح در چشمش مرده است
/ از اشک‌های مادری که همیشه تنها گریه می‌کند / هیچ کس برای رفتن تو اشکی نخواهد ریخت.

۵. خشمگین باش / خدا هیچ ملتی را خوار خلق نکرده است / خشمگین باش / زمین در برابر افراد
خشمگین سر تعظیم فرود می‌آورد / خشمگین باش / زمانی که عقاب‌ها از ترس به خود می‌لرزند،
زمین غمگین می‌شود / خشمگین باش / اگر امروز سر تسلیم فرود آوری / بعد از هزاران سال باز تسلیم
خواهی شد / خشمگین باش / مردمان اطرافت همگی به خواب فرورفته‌اند / چه شد که شرارت، خاک
سرزمینت را مباح شمرد / و چه شد که گرگ حتی تجاوز به قبرهایت را مباح تلقی کرد / خشمگین
باش / زمانی که ساحران عرب را [همچون] حيله‌گرانی مشاهده کردی که در زیر زمین مخفی می‌شوند
/ شروع هر کاری خشم است / و آخر هر کاری نیز به خشم ختم می‌شود / خشمگین باش / دیگر جز
مرگ راهی نمانده است / یا باید در راه سرزمینت بمیری / یا این که به عنوان برده فروخته شوی.

۶. چه بسا مشاهده کردم زندانبانی / و شمشیری بالای گردن‌های شکسته / چه بسا یقین کردم که
شیرها می‌میرند / زمانی که سگ‌ها، زمام امور را در دست داشته باشند.

۷. بیایید برای گرسنگی مردم مصر بجنگیم / بیایید به دردهای مردم برسیم / و با غم و اندوه فریاد
زنیم: آیا [ظلم] بیش از این؟ / بیایید با اشک زمین، سرمست گردیم.

۸. برو که هیچ‌گاه ناله گرسنگان هر چند که بلند باشد به گوش تو نخواهد رسید / چه بسیار جوانان
بیکار و غرق در فقر و ناداری، که والدینت را لعنت می‌کنند.

۹. سرورم فرعون / آیا اندام‌های [پاره پاره اجساد] مردم را می‌بینی / خشم چهره‌ها .. بدبختی کودکان
را .. / ذلت فقر .. اندوه مادران بر کودکانشان را / اشباح سیاهت در گردنه‌ها / اجسادمان را به دو نیم
می‌کنند.

۱۰. آیا رویاها خواهند بخشید؟ / اشتباهات حقارت، خیانت و هرزگی را / آیا رویاها، گرسنگی کودکان را خواهند بخشید / مرگ سپیده دم و تحقیر تعهدات را چطور؟ / رویاها چه قدر بدند / زمانی که قید و بندی می‌شوند بر گردن‌ها [و] خون‌شان را می‌ریزند / و نیز قید و بندی بر چشم‌ها.
۱۱. تنها به راه افتادم / در جیبم [صدای] ضعیف خزنده‌ای را شنیدم / و انگشت‌هایی که مخفیانه در آن تاب می‌خوردند و دنبال [چیزی] می‌گشتند / با نگرانی پشتم را نگاه کردم / پسر بچه‌ای که لباس‌هایش تنش را نپوشانده بود / پسرم چرا دزدی می‌کنی؟ / از روز جزا نمی‌ترسی؟ / روزی خدا را خواهی دید / بیچاره حرفی نزد اما با دلواپسی گفت: خدا / چه کسی روی زمین از خدا می‌ترسد پدر جان؟! / گرسنگی من را می‌کشد و قرص نانی نمی‌یابم / و راه مانند شب هولناک است.
۱۲. دزدان قبیله لباس‌هایم را دزدیدند / و در شهر خود عریان شدیم / وطنی نیست که ما را در خود جمع کند / و نه آرزویی که قربانی‌ها بدان پناه برند.
۱۳. من به رویا پرداختم و نمی‌دانستم / که دسته‌های کلاغ‌ها می‌رقصدند زمانی که آهوان از بین روند / اما یقین داشتم که دزدان این عصر / حرام را با حلال دزدیدند / یقین داشتم که زمین سقط جنین می‌کند / اگر در وطن، شبه‌مردان سیادت کنند.
۱۴. موش‌ها از خون زحمت‌کشان مست می‌شوند / در مزرعه زیبا چیزی نماند / به جز افعی‌های قدیمی / که سم پنهان خود را می‌ریزند / چیزی جز دسته‌های کلاغ‌ها باقی نمانده / که در زمان ملعون، خیر مرگ می‌دهند.
۱۵. از سرزمین پیامبران چه چیزی مانده؟ / چیزی جز ستاره سیاهی که در آسمان می‌چرد، نمانده است / چیزی نمانده غیر از تل کشتگان / و ناله‌های زنان.
۱۶. از سرزمین پیامبران چه چیزی باقی مانده؟ / پنجاه سال مانده / و حنجره‌هایی که با ناله‌های خود دنیا را پر کرده‌اند / پنجاه سال است که [فلسطین] به حراج گذاشته شده / و تمامی جلادان به چپاول این غنیمت چشم دوخته‌اند / سپس هر آن چه می‌خواهند غارت می‌کنند / فلسطین غمگین مرد / و فرزندانش دور نعش جمع شدند / و گریه کردند، آن گونه که زنان می‌گریند / لباس‌های قدس را برکنند / و راز نهانی قلبش را علنی و آشکار کردند.
۱۷. چقدر زشت است صورت تو که از تکه‌های بدن کشته‌های ما نقاشی شده / شمشیر آغشته به سم تو در بدن مردگان ما چقدر هراسان می‌نماید / ای خوک! چقدر تو زشتی، چگونه انسان شدی / چهره ملعونت زشت است / چهره قدس در برابر دیدگانت به حزن و اندوه تبدیل می‌شود / کودکی در مقابل قبر از من می‌پرسد / چرا مرگ غیر از میهن ما، به دیدار سرزمین‌های دیگر نمی‌رود / ای خدا! حق به بهتان تبدیل گشته است / ای خدا! حکومت به طاغوت تبدیل گشته است.

۱۸. آیا بغداد همیشه دوست‌دار شعر نبود / مردمی بی دلیل می‌میرد / هم‌چون شیرهایی شده‌ایم که در سفاقت مرگ را خرید و فروش می‌کنیم / بر اهل خود شیر و پیرو دشمنان خود هستیم / خون کویت در برابر دیدگان تو مرا بد خواب می‌کند / آیا پاداش وفا، قتل و کشتار است؟ / این برادر من است که در عمق وجود زندگی می‌کند / چگونه همینک در وسط قلب نیش وارد شده؟ / به کویت که سواحلش می‌گرید، بگو / برای هر کدام از شما در بین مردم مصر دوستانی است / ای بغداد سرزنش نکن زمانی که می‌گویم / به حقیقت برگرد، شمشیر کینه دروغین است.
۱۹. عریان شدیم و همه زمین شاهد است / که با دست خود دستانمان را قطع کردیم.
۲۰. بیروت در دریا مرد و قدس خودکشی کرد / و ما ننگ‌آمیز گل و لای خود را آبیاری می‌کنیم.
۲۱. قدس در بند به سبب وجود سواره‌نظام‌ها می‌گرید / اشک منبرها به نمازگزاران شکایت می‌برند / حاکمانان موقع اختلاف، ما را ضایع کردند / گلدسته‌ها، قرآن و دین را معامله نمودند / حاکمان، فرای ما را به آتش کشیدند / و در بطن مملکت ما صبح را نابود کردند.
۲۲. عمری که در آن رویا و وطنی نباشد چقدر سنگین است / و نه امنیت و شمشیری که از ما حمایت نماید.

منابع و مأخذ

نُحج البلاغة

- أبو حاقّة، أحمد، *الالتزام في الشعر العربي*، بیروت، دار العلم للملایین، ط ۱۹۷۹، ۱م
- إسماعیل، عز الدین، *الشعر العربي المعاصر قضايا وظواهره الفنية والمعنوية*، القاهرة، دار الکاتب العربي، ۱۹۶۷م
- باغچه‌یوان، سعید، *بیداری اسلام و اندیشه‌های سید جمال الدین اسدآبادی*، نشریه علوم سیاسی، اندیشه انقلاب اسلامی، شماره ۱۰، ۱۳۸۳ش
- برادة، محمد، *تحولات مفهوم الالتزام في الأدب العربي الحديث*، بیروت، دار الفکر، ۲۰۰۱م
- البعليكي، روجي، *قاموس المورد*، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۹۹۵م
- جویده، فاروق، *الأعمال الكاملة*، القاهرة، مرکز الأهرام، ط ۲۰۰۰، ۶م
- الدسوقي، عمر، *في الأدب الحديث*، المجلد ۱، القاهرة، ۱۹۷۳م
- الشائب، أحمد، *تاريخ الشعر السياسي إلى منتصف القرن الثاني*، بیروت، ۱۹۷۶م
- الشرقاوي، محمود، *تأملات في الميثاق الوطني*، الإسكندرية، الدار القومية للطباعة والنشر، د.ت
- ضيف، شوقي، *الأدب العربي المعاصر في مصر*، القاهرة، دار المعارف، ط ۸، ۱۹۶۱م

- _____، تاریخ الأدب العربي، القاهرة، دار المعارف، ط ۱، ۱۹۹۶ م
- علوی سیستانی، علی، بیداری اسلامی تاملات تفصیلی نظری درباره تحولات اخیر خاورمیانه اسلامی، مجله پانزده خرداد. دوره ۳. سال ۹. شماره ۲۲. تابستان. صص ۷۱-۱۱۳، ۱۳۹۱
- مکاریک، ایرنا، دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر، ترجمه مهراں مهاجر، تهران، آگه، ج ۲، ۱۳۸۵ ش
- مندور، محمد، معارک أدبیه، القاهرة، د.ت
- المنصوري، جابر، النقد الأدبي الحديث، عمان، ۲۰۰۰ م
- میرزایی، فرامرز و علی باقر طاهری نیا، دور السيد جمال الدين الأسدآبادي في النهضة الأدبية المعاصرة، مجلة العلوم الإنسانية، العدد ۱، ۲۰۰۴ م، صص ۶۵-۷۳
- نورانی، امیر، مصر بیداری اسلامی و الگوی ایران، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال ۹، شماره ۲۸، بهار ۱۳۹۱ ش صص ۱۹۱-۲۱۴
- الورقي، السعيد، لغة الشعر العربي الحديث مقوماتها الفنية وطاقاتها الإبداعية، بيروت، ۱۹۸۴ م
- هلال، محمد غنيمي، النقد الحديث، القاهرة، دار النهضة، ۱۹۹۸ م

منابع و مأخذ اینترنتی

- جويدة، فاروق، الموقع الرسمي للشاعر فاروق جويدة، ۲۰۱۰. www.goweda.com
- جويدة، فاروق، نبتدي من أين الحكاية، ۲۰۰۹. www.abc4.ahlamontada.net
- جويدة، فاروق، منتدى الهلال، ۲۰۰۹. www.montadalhilal.com
- جويدة، فاروق، الموسوعة العالمية للشعر العربي، ۲۰۱۰.
- www.adab.com/modules.php?name=Sh3er&doWhat=shqas&qid=22&r=&tc
- جويدة، فاروق، تريكة دوت كوم، ۲۰۱۱. www.treika.com
- جويدة، فاروق، الأهرام الرقمي، ۲۰۱۱.
- www.digital.ahram.org.eg/articles.aspx?Serial=429196&eid=1145
- جويدة، فاروق، ۲۰۱۱. www.prof3laa.com